



نگاهی به رقابت‌های ژئوپلیتیک در منطقه خاورمیانه

شام جدید

دیدگاه

بهادر نوکنده

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل

از نگاه پان‌عربیسمی صرف و تلاش برای خوانش چمال عبدالنصری از مناسبات کشورهای عربی عبور کرده است؛ بنابراین نمی‌توان گفت که شکل‌گیری ائتلاف‌های عربی مانند تروئیکای «اردن - عراق - مصر» یا همان پروژه «شام جدید» می‌تواند خطر و تهدیدی در پی داشته باشد. قرائت ناسیونالیستی عربی و نوعی گرایش برای شکاف اخیر محلی از اعراب در تحکرات و تحولات دیپلماتیک ندارد. آنچه اکنون تأثیرگذار است، به تلاش برای تقویت مناسبات اقتصادی و تجاری بین کشورهای عربی با همه کشورهای در منطقه و نیز کشورهای فرمانتقه‌های بازمی‌گردد، به موازات دخالتهای مشترک در راستای ایجاد، تداوم و گسترش امنیت جمعی و منطقه‌ای با نقش‌آفرینی همه کشورهای عربی و غیرعربی منطقه خاورمیانه هم به عامل اثرگذار دیگری بدل شده است که اکنون نمی‌توان به گزاره «نگاه عربی» تکیه کرد. به‌ویژه آنکه ایران اکنون به یکی از مهم‌ترین و جدی‌ترین قدرت‌های منطقه غرب آسیا بدل شده است. ضمن آنکه نباید این واقعیت را هم نادیده گرفت که چنین اتحادیه‌ای با توجه به ثروت‌های طبیعی عراق، ثروت انسانی مصر و موقعیت جغرافیایی اردن در غرب آسیا می‌تواند به اتحادیه‌ای قدرتمند در سطح منطقه تبدیل شود که خود فرصت مغتنمی را برای پوست‌اندازی در سیاست خارجی ایران فراهم خواهد کرد. این نکته از آن نظر اهمیت بسزایی دارد که دولت رئیسی اولویت دیپلماسی خود را تقویت مناسبات با همسایگان قرار داده است.

پیشینه طرح

طرح منطقه‌ای شام جدید ما یک گزاره تحلیلی برخی این ائتلاف را «تهدیدی» برای ایجاد شکاف و گسل بین تهران و بغداد به واسطه تأثیرگذاری امان و قاهره می‌داند. ولی در یک سطح دیگر تحلیل، می‌توان گفت که این ائتلاف به‌ویژه در دولت محمد شیباع السودانی می‌تواند نه یک تهدید بلکه به فرصتی برای تقویت نفوذ منطقه‌ای ایران بدل شود؛ چراکه از یک سو دولت السودانی که مانند دولت عادل عبدالمهدی نزدیکی به‌مراتب بیشتری نسبت به دولت مصطفی‌الکاظمی با ایران دارد، می‌تواند از این ائتلاف برای بهبود روابط و حتی احیای مناسبات ایران با اردن و مصر استفاده کند و در آن سو هم در ماه‌های اخیر، هم کشور مصر و هم اردنی‌ها از خواست خود برای احیای روابط با ایران گفته‌اند؛ بنابراین این ائتلاف خواهد توانست در این مسیر کام بردارد و به‌عنوان کاتالیزوری در ریل‌گذاری برای ازسرگیری مناسبات تهران با امان و قاهره عمل کند. در کنار آنچه عنوان شد، باید به این نکته مهم نیز اشاره کرد که اساساً جهان عرب

فروش نفت عراق به اردن و مصر با تخفیف ۱۶ دلاری قیمت نفت برنت انعقاد قراردادهای تجاری مصر با عراق و به دست آوردن سهمی از بازسازی این کشور • تأمین برق عراق از طریق اردن و مصر • ایجاد شهرک‌های صنعتی مشترک و سرمایه‌گذاری مشترک در حوزه‌های گردشگری و خدمات

انگیزه‌ها برای طرح شام جدید

۱. عراق: هدف اصلی پروژه شام جدید از نگاه عراق این است که این کشور مانند گذشته به جهان عرب بازگردد.

۲. مصر: مصر می‌خواهد یک نقش جدید را بعد از افول بزرگی خود که در صحنه عربی منطقه خاور آسیا (خاورمیانه) داشت ایفا کند.

۳. اردن: انگیزه سیاسی مصر و اردن از مشارکت این است که وابستگی خود را به عربستان کم کنند؛ این امر به ویژه برای اردن بعد از انتشار گزارش‌هایی که در مورد دخالت سعودی در توطئه اخیر برای بی‌ثبات کردن اردن و جایگزینی ملک عبدالله با حرمه ولیعهد سابق منتشر شد، مهم است. همچنین اردن به دلیل توافق ابراهام به حاشیه رفت و از طرفی این کشور با کمبود منابع مالی مواجه است.

چالش‌های پروژه شام جدید

• هر سه کشور از حیث نقدینگی و اجرای پروژه‌ها در مضیقه هستند و این امر چالش بزرگی بر سر برنامه‌های آنها است. در سطح خارجی این نظر اهمیت بسزایی دارد که دولت رئیسی اولویت دیپلماسی خود را تقویت مناسبات با همسایگان قرار داده است.

• پیش‌بینی می‌شود برای اجرای خط لوله بصره به بندر عقبه و مصر ۱۸ میلیارد دلار نیاز باشد که با توجه به وضعیت فعلی اقتصاد این کشورها، این مسأله در کوتاه مدت امکان پذیر نیست.

• بر اساس طرح شام جدید کشورهای اردن و مصر خواهان انتقال نفت عراق به کشورهای خود با تخفیف ویژه، آن هم ۱۶ دلار پایین‌تر از نرخ جهانی نفت برنت هستند. بر اساس هیچ نوع همکاری و قرارداد اقتصادی میان دو یا چند کشور مستقل، این درخواست قاهره و امان منطقی به نظر نمی‌رسد. حتی در صورت موافقت دولت عراق با چنین درخواستی این پارلمان و افکار عمومی عراقی هستند که به طور حتم اجازه نخواهند داد ثروت ملی کشور با چنین نرخی در اختیار این کشورها قرار بگیرد.



هدف عراق وصول به بازارهای جهانی بدون عبور از هرمز و مخاطرات باب‌المنندب، اردن با هدف تحصیل روزانه ۱۰ هزار بشکه نفت با نرخ ۱۶ دلار زیر قوب برنت شمال و هدف مصر بهره‌گیری از امتیاز انرژی ارزان‌تر و کاهش هزینه‌های ترانزیتی به اتفاق اردن در حیطه توافقات طرح شام جدید است

صهیونیستی سخن به میان آورده و با اشاره به اشغال فلسطین از سوی صهیونیست‌ها و سپس اشغال اراضی برخی کشورهای عربی همانند جولان سوریه می‌نویسد: اسرائیل در حال حاضر در آستانه تحقق هدفش یعنی اسرائیل بزرگ از نیل تا فرات است. ملاحظه کنید که طرح شام جدید از فرات تا نیل است.

تحركاتی از پیش‌برنامه ریزی شده

ز لوم همچنین تحرکات شیخ‌نشینان حوزه خلیج فارس برای عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی را از پیش‌برنامه ریزی شده توصیف کرده و به تلاش برای خروج عراق از محور مقاومت برای تحقق طرح اسرائیل بزرگ، اشاره کرده است. وی می‌نویسد: در جهانی به سر می‌بریم که شاهد تغییراتی بی‌سابقه است و تغییرات عمیقی این روزها در حال رخ دادن است. دنیا بسرعت در حال تغییر است. آمریکا و رژیم صهیونیستی از مشکلات بی‌سابقه‌ای رنج می‌برند و این چالش‌ها شبیه چالش‌هایی است که کرییانگیر اتحاد جماهیر شوروی شد و شوروی که ابرقدرت نظامی بود به سبب سوء مدیریت اقتصادی دچار فروپاشی شد.

افول قدرت آمریکا و بحران‌های رژیم صهیونیستی

المعلومه گزارش داد: وضعیت ایالات متحده آمریکا نیز چنین است که با وجود اینکه ابرقدرت نظامی است اما آثار فروپاشی امپراطوری‌ها را دارد. آمریکا دلار بدون پشتوانه چاپ می‌کند به طوری که ۳ تریلیون دلار بدون پشتوانه چاپ کرده است. در بحران سال ۲۰۰۸ آمریکا با تزریق تریلیونها دلار جعلی بدون پشتوانه مانع از فروپاشی اقتصادش شد. رژیم صهیونیستی نیز با بحران‌های اقتصادی و اجتماعی خطرناکی روبرو است و روز به روز وضعیتش بدتر می‌شود و این بدین دلیل است که جامعه‌های همگون ندارد و بر پایه اوامر استوار است. همچنین رژیم با چالش‌های نظامی روبرو است که تکنولوژی نظامی پیشرفته هم فایده‌ای برایش ندارد.

راهی که سازشکاران می‌روند سرانجامی ندارد

ز لوم در پایان آورده است: سازشکاران جدید گمان می‌کنند که راه کسب دوستی آمریکا، فلسطین اشغالی است در حالی که خود رژیم صهیونیستی نیاز به حمایت است و حامی تل آویو هم مشغول به خودش است و قدرت ویژه که ارائه دهنده طرح (مصطفی‌الکاظمی) به محض بازگشت از واشنگتن این طرح را ارائه داده است. من به عراق جدید، سوریه جدید، لبنان جدید، خاورمیانه جدید و طرح شام جدید اعتقاد ندارم زیرا طرح آمریکایی و اسرائیلی است و اسرائیل و آمریکا دو روی یک سکه هستند که از سوی صهیونیزم بین‌المللی اداره می‌شوند. نمی‌توان متحد آمریکا بود و متحد اسرائیل نبود؛ اگر امکان عادی‌سازی غلنی روابط نیست اما این روابط در حقیقت، این نویسنده در ادامه به کتاب جیمی کارتر رئیس‌جمهوری اسبق آمریکا که در آن از روابط پشت‌پرده اعراب با رژیم

آیا هدف ایران است؟

بر واقع، پروژه «شام جدید» به طور خاص مسائل مربوط به انرژی، اتصال شبکه برق و افزایش مبادلات تجاری را دنبال می‌کند. طبیعتاً

مدیرانه که بیشتر مختص صادرات اقلیم کردستان عراق است.

طرح شام جدید؛ از حمایت‌های آمریکا تا صادرات ۷ میلیون بشکه‌های عراق

وی تأکید کرد: بنابراین احداث خطوط انتقال نفت عراق از بندر بصره در جنوب عراق به بندر عقبه در جنوب اردن هاشمی در چهارچوب طرح شام جدید و در پوشش حمایت‌های آمریکا، در مثلث تعاملات عراق، اردن و مصر پیگیری می‌شود. چراکه به دلیل وجود خطوط انتقال میان اردن و مصر با تحقق پروژه در سمت عراق و اردن، نفت عراق به بندر اسکندریه در دریای مدیترانه شرقی بدون عبور از تنگه‌های هرمز، باب‌المنندب و کانال سوئز می‌رسد. بنابراین این موضوع برای افکار بلندپروازانه کشور عراق در حوزه آینده انرژی تا ۲۰۲۵ میلادی باهدف دستیابی به تولید روزانه ۷ میلیون بشکه نفت و کسب سهم بیشتر از بازارهای جهانی اهمیت حیاتی دارد.

حذف سوریه از معادلات هاب انرژی با هدف بازگیری اسرائیل

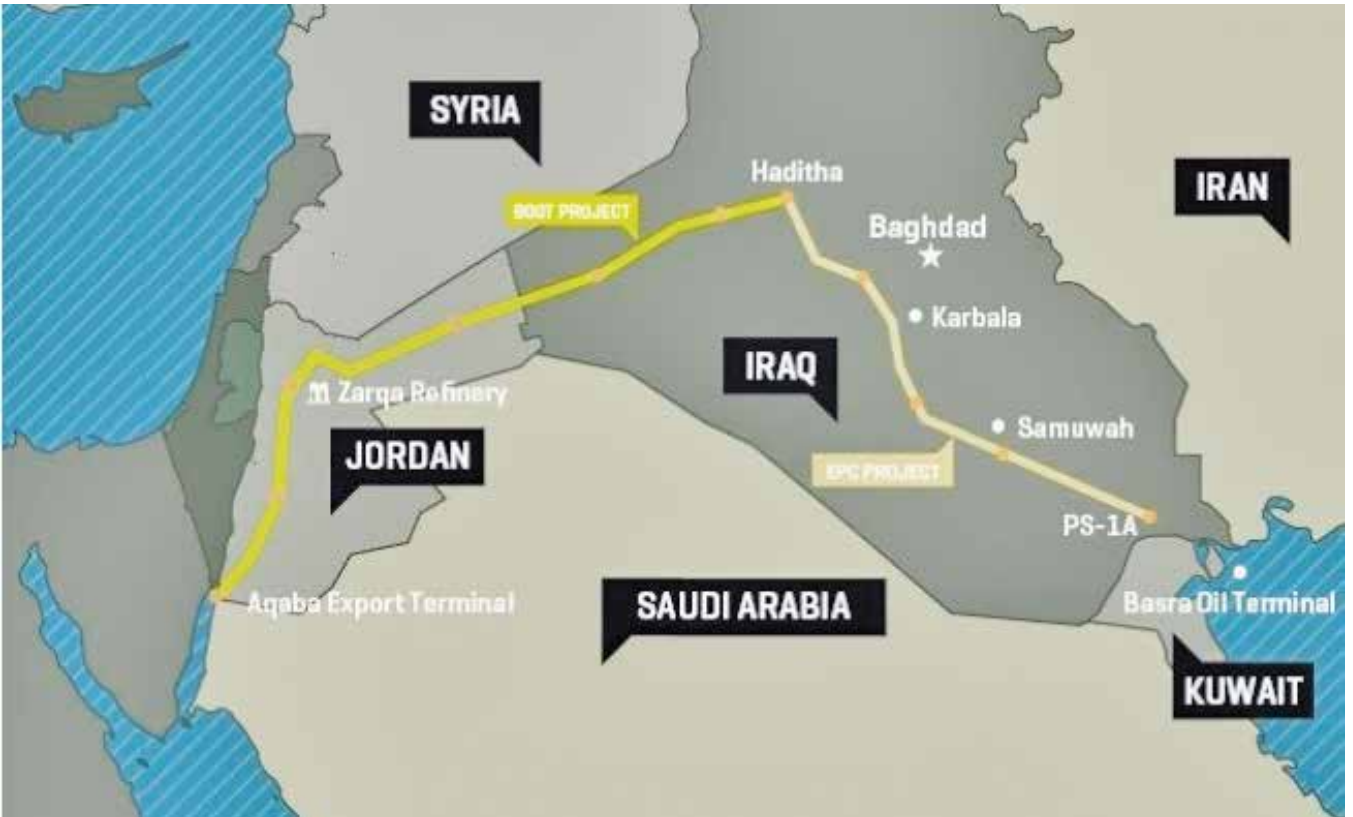
فردوسی‌پور با اشاره به برنامه‌های آمریکا در راستای پروژه مذکور گفت: مهمترین مؤلفه‌هایی که در فرایند تعاملات انرژی برپایه طرح شام جدید از سوی غرب بویژه ایالات متحده آمریکا متصور است، کاستن از اهمیت محور شام قدیم و حذف سوریه از معادلات هاب انرژی منطقه‌ای، زمینه‌سازی تعاملات آتی کشورهای محور شام جدید با رژیم صهیونیستی بویژه با توجه به وجود قراردادهای ۲۰ سال صادرات گاز مصر به رژیم اسرائیل منعقد شده در ۲۰۰۵ و خرید و واردات گاز توسط اردن از اسرائیل به مدت ۱۵ سال برپایه قرارداد منعقد شده در سال ۱۹۹۴ با رژیم اسرائیل دارای روابط عادی و حسنه هستند. علاوه بر آن کاستن از اهمیت ژئوپلیتیک انرژی خلیج فارس و تنگه هرمز نیز مدنظر ایالات متحده است.

اهداف عراق، اردن و مصر برای اجرای خط لوله جدید نفت

وی با اشاره به مزایای پروژه برای هر کشور عراق، اردن و مصر گفت: هدف عراق وصول به بازارهای جهانی بدون عبور از هرمز و مخاطرات باب‌المنندب، اردن با هدف تحصیل روزانه ۱۰ هزار بشکه

تأثیر دزدی دریایی، نرخ بیبیه‌های دریایی و تروربست‌ها بر اجرای پروژه

نفت در سرباره تأثیر پروژه خط انتقال و از آن برای تصحیر بر بازارهای جهانی انرژی توضیح داد: با توجه به مخاطرات ناشی از حمله به تانکرهای حامل نفت اعم از دزدی دریایی، تها اقدام‌های تروریستی و جنگ غیر مستقیم دریایی ایران و رژیم صهیونیستی، هم‌اینک نرخ بیبیه‌های دریایی بشدت افزایش یافته است. از این رو با وجود پایین بودن قیمت جهانی نفت از یکسو و نزاع رعایت سهمیه‌های صادراتی میان اوپک و اوپک‌پلاس از سوی دیگر، عایدی کشورهای صادرکننده را برای عبور از بحران‌های اقتصادی و ناشی از وضعیت پاندمی کووید-۱۹ بشدت کاهش داده و چه بسا با تضعیف ائتلاف‌های حوزه انرژی و وضعیت بازارهای جهانی را بیش از پیش متشنج کرده است. براین اساس گرایش به انتقال خطوط لوله در صورت برخورداری از پارامترهای امنیتی می‌تواند به بهبود روند بحرانی موجود کمک شایان توجهی کند.



میلیون بشکه نفت

بی‌تردید این موضوع برای افکار بلندپروازانه حوزه آینده انرژی تا ۲۰۲۵ میلادی باهدف دستیابی به تولید روزانه ۷ میلیون بشکه نفت و کسب سهم بیشتر از بازارهای جهانی اهمیت حیاتی دارد

